«میزان» به‌معنای اعتدال

«خف میزان ترفعان منه ، وثقل میزان توضعان فیه»؛ اگر شهادتان در آن گذاشته شود، سنگین است. اگر از آن برداشته شود خفیف است. عرض کردم معمولاً کلمه‌ی «میزان» را به معنای سنگینی ای سنجش سنگینی معنا کرده‌اند. اما این احتمال بود که اصل معنای وزن و میزان، به‌معنای اعتدال باشد. از این آیه‌ی شریفه استیناس کردیم: «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْ

[1]. در این آیه‌ی شریفه، ما هیچ مشکلی نداریم که «موزون» به همان معنای عرفی باشد. شما بگویید مثلاً رب را در مکیال و موزون می‌آید و در معدود نمی‌آید. در اینجا که موزون می‌گوییم، به چه معنا است؟ موزون یعنی چیزهایی وزن می‌شود؛ مکیل و موزون. این مشکلی ندارد. در سوره‌ی مبارکه‌ی مطففین می‌فرمایند: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ، الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَ

وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ[2]. چند جلسه قبل از مرحوم آیت‌الله کازرونی نقل کردم. ایشان می‌فرمودند: انسان‌ها دو دفتری هستند. یکی از مصادیق این دو دفتری بودن را این آیه‌ی شریفه می‌فرمایند: «إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ»؛ خوب مته را به خشاش می‌گذارد و می‌گوید حق من را بده وقتی خودش می‌خواهد حق دیگران را بده، «یخسرون». خودش وقتی می‌خواهد ساعت مراعات کند و چیزی بدهد ...؛ این آیه، خیلی مهم است. وزن، همه‌اش این نیست که ترازو بگذارد و وزن کند. دلالت این آیه بر مقصود از آنکه اوسع از ظاهر لفظ است، روشن است. منظور اینکه یکی از مصادیق دو دفتری بودن انسان‌ها همین است؛ مکیل و موزون. مشکلی ندارد. خُب، در اینجا هم می‌فرمایند: «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ»؛ هر چیزی که وزن می‌شود؛ «کلما یوزن». خُب، ظاهر معنای عرفی آن این ا و ما هیچ مشکلی با آن نداریم. اما اصلاً رسم قرآن کریم این است که طوری صحبت می‌کند که در آیه برای کسانی که اهل تأمل هستند، چیزهایی می‌گذارد، آن چیزها فلش است، ذهن‌های آن‌ها را به یک چیز بالاتر هدایت می‌کند. من همیشه عرض می‌کردم گویا کسی آیه را نگاه می‌کند، می‌بیند این آیه می‌خواهد یک چیز دیگری هم بگوید. یعنی معنای عرفی ظاهری آن جای خودش است، نفیاش نمی‌کند، اما در همین معنا چیزی هست. حضرت علیه السلام در آن روایت در بحارالانوار فرمودند:

> «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ»[3].

خیلی عالی است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند. در بحارالانوار هست. «الحقائق للانبیاء»؛ یعنی اصل جولانگاه قرآن کریم برای انبیاء است. آن‌ها هستند که از این کتاب بهره‌مند هستند. «اللطائف للاولیاء» اما «الاشارة للخواص». یعنی کسانی که رفت‌وبرگشت می‌کنند، کارشان با فکر و تدبر است. الآن در آیه‌ی «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ»، چرا بین همه‌ی، «موزون» را آورده‌اند؟! «روایندیم هر چه را که وزن می‌شود»، این تعبیری گویا ذهن را سراغ این می‌برد که آن معنای دوم کمکم جلوه کند. «موزون» یعنی معتدل، پا برجا، مستقر، زیبا و حسن، نه اینکه موزون فقط یعنی با ترازو وزنش می‌کنند ای پیمانه می‌کنند. خُب، پیمانه و وزن هر زمانی بوده، الآن هم در زمان ما پیمانه‌های قدیم خیلی کم‌رنگ شده است. همه چیز را با وزن می سنجند. من کوچک بودم یادم هست، تخم‌مرغ معدود بود. گردو معدود بود. عرض کردم در حالت وزن کردن دقیقتر ای آسانتر

می‌شود. همین الآن در زمان برای بنزین احدی نمی‌گوید برو دو کیلو بنزین بخر. می‌گویند برو دو لیتر بنزین بخر. همچنین مایعاتی که می‌فروشند، روی آن وزنش را نمی‌نویسند. نمی‌گویند مثلاً این بطری نوشابه دو کیلو است، می‌گویند یک لیتر و نیم است، دو لیتر است. دو لیتر خودش یک جور کیل است. کیل رایج زمان ما، لیتر است برای بعض اجناس. منظور این‌که این‌طور نیست که کلاً کیل رو افتاده باشد. حالا چطور شد بین این‌ها -معدود، مکیل و موزون و ...- آیه می‌فرماید: «وَأَنبَتنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيءٍ مَّوزُونٍ». خود انحصار در این مقام ذهن را سراغ این می‌ب مقصود تعیین کردن یک صنف خاصی نیست که مردم آن را وزن کنند. خود مرحوم طبرسی رضوان‌اللّه‌علیه، در مجمع البیان، در آن آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي أَنزَلَ الكِتَٰبَ بِ

والمِيزَانَ» [4] ...؛ نمی‌دانم قرائت جر «المیزان» هم داریم یا نه، فعلاً با آن کاری ندارم. فعلاً آنچه که معروف است، این است: «اللَّهُ الَّذِی نزَلَ الكِتَٰبَ بِالحَقِّ وَالمِيزَانَ» است. یعنی «انزل المیزان» است. مفعول است. «خدای متعال همراه کتاب میزان را نازل فرموده است». «لَقَدَ أَرسَلنَا رُسُلَنَا بِالبَ

وأَنزَلنَا مَعَهُمُ الكِتَٰبَ وَالمِيزَانَ» [5] اینجا وقتی «میزان» می‌آید و حالت وزن می‌آید، به این معنا هیچ دور نیست که بگوییم از کلمه‌ی «میزان»، وصف توضیحی می‌فهمیم؛ آن هم به‌صورت مستوعب؛ «کل شیء موزون». هر چیزی انبات متناسب خودش را دارد و نزول هم برای آن به تقدیر دیگری می‌آید و هر چیزی هم موزون است. موزون به این معنا که مشکلی نداشته باشد.

---

[1]. الحجر، آیه‌ی ۱۹.

[2]. المطففین، آیه‌ی ۳.

مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۸۹، ص ۱۰۳.

[4]. الشوری، آیه‌ی ۱۷.

[5]. الحدید، آیه‌ی ۲۵.

بازبینی #3
ایجاد شده 13 فوریه 2024 14:29:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 فوریه 2024 11:34:08 توسط ... .